

# افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Scientific

علمی

بازتایپ توسط: لاله - هوادار سازمان انقلابی افغانستان

۲۲ نومبر ۲۰۱۱

## سنترالیزم دموکراتیک و خط مشی توده‌ئی

سانترالیزم دموکراتیک (یا مرکزیت دموکراتیک) تبلور وحدت دیالکتیکی آزادی و انضباط، وحدت اراده سازمانی و ابتکار عمل فردی است. سانترالیزم دموکراتیک محصول وجود و رسالت تاریخی طبقه کارگر و یکی از اصول سازمانی مهم پیشاهنگ سیاسی پرولتاریا (حزب کمونیست) است. مرکزیت دموکراتیک تجلی واقعی مناسبات درونی حزب پرولتری (مناسبات میان رهبری و اعضاء، میان ارگان‌های پائینی و بالائی...) و تنظیم کننده این مناسبات است.

سانترالیزم دموکراتیک به مثابه مبنای سازمانی حزب طبقه کارگر عبارت است از: اصل انتخابی بودن کلیه ارگان‌های حزبی، اصل گزارشدهی هر ارگان به ارگان بالاتر (کلیه ارگان‌های حزب در برابر مراجعی که آنها را انتخاب کرده اند موظف به دادن گزارش منظم اند)؛ اصل رعایت انضباط سازمانی برای تمام اعضای حزب و اصل تبعیت اقلیت از اکثریت، فرد از سازمان، ارگان‌های پائینی از ارگان‌های بالائی و تبعیت تمام حزب از کمیته مرکزی؛ اصل انتقاد و انتقاد از خود، اصل تلفیق رهبری جمعی و مسؤلیت فردی.

مرکزیت و دموکراسی دو جهت یک پدیده واحد را تشکیل می دهند و یکی بدون دیگری نمی تواند وجود داشته باشد. مائوتسه دون می نویسد:

"سانترالیزم ما یک سانترالیزم مبتنی بر دموکراسی است، سانترالیزم پرولتاریائی یک سانترالیزم بر اساس دموکراسی وسیع است. کمیته های حزبی سطوح مختلف، ارگان هائی هستند که یک رهبری متمرکز اعمال می کنند، ولی رهبری کمیته های حزبی به معنای رهبری دستجمعی است."<sup>۱</sup>

با پیروزی انقلاب سوسیالیستی و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا، سانترالیزم دموکراتیک بر یک مبنای کیفی جدید تکامل یافت و به پایه اصولی تکامل قدرت دولتی سوسیالیستی و به یک پایه رهبری جامعه توسط طبقه کارگر و حزب آن تبدیل گردید.

<sup>۱</sup> - مائوتسه دون: "سخنرانی در کنفرانس وسیع کار"

مائوتسه دون می گوید:

"بدون سانتر الیزم دموکراتیک، دیکتاتوری پرولتاریا نمی تواند مستحکم شود. دموکراسی در میان خلق و دیکتاتوری بر روی دشمنان خلق، این دو جهت به طور تفکیک ناپذیری با یکدیگر پیوند دارند و تلفیق این دو جهت عبارت است از دیکتاتوری پرولتاریا و یا به بیان دیگر دیکتاتوری دموکراتیک خلق (...). بدون دموکراسی وسیع برای خلق دیکتاتوری پرولتاریا نمی تواند تحکیم یابد و قدرت سیاسی فاقد ثبات خواهد بود. بدون دموکراسی، بدون بسیج توده ها و بدون کنترل توسط توده ها، اعمال دیکتاتوری مؤثر نسبت به عناصر مرتجع و مضر و تجدید تربیت آنها ممکن نخواهد بود."<sup>۲</sup>

**خط مشی توده ئی:** خلاف برخی تصورات و استنباطات نادرست از سانتر الیزم، مائوتسه دون خاطر نشان می سازد که سانتر الیزم یعنی این که "در درجه اول باید عقاید درست را فشرده و متمرکز نمود و بر این پایه نظرات، سیاست، نقشه، رهبری و عمل را یگانه ساخت."<sup>۳</sup> بر همین اساس است که مائوتسه دون: مشی توده ئی را به مثابه رهنمود اساسی در زمینه ارتباط حزب با توده ها تدوین می کند، متد سانتر الیزم دموکراتیک را متد مشی توده ئی می خواند و آن را توضیح میدهد: "متد سانتر الیزم دموکراتیک، متد مشی توده ئی است، یعنی ابتداء دموکراسی بعد مرکزیت، یعنی گرفتن از توده و بردن به میان توده، پیوند رهبری با توده ها."<sup>۴</sup>

به اساس این رهنمود ها، یعنی مشی توده ئی یک مسأله جهان بینی مارکسیستی، مبنای سمت گیری و تعیین سیاست های حزب کمونیست و نقطه آغاز کلیه فعالیت های آن است. خط مشی توده ئی از این اعتقاد ناشی می شود که انقلاب امر توده های میلیونی خلق است و باید به اتکاء آنان و از طریق شرکت آنان انجام گیرد و بنابراین تنظیم دقیق ارتباط حزب کمونیست با توده و بر قراری پیوند مستحکم با آن در اتخاذ سیاست ها و شکست و پیروزی مبارزه دارای نقش اساسی است. به همین خاطر، نقطه حرکت باید عبارت باشد از: تشخیص درست نیازمندی ها و خواست واقعی توده ها (خواستی که آزادانه ابراز شده باشد)، خدمت صمیمانه به خلق، جدا نشدن از توده حتی برای یک لحظه. اما تحقق این امر جز از طریق استحکام رشته های پیوند با توده ها، جز از طریق آمیزش عمیق حزب با توده های میلیونی کارگران و دهقانان و اتکاء به آنها جز در جریان یک روند دایمی گرفتن از توده ها و انتقال به درون توده و تنظیم، تصحیح، و تدقیق سیاست ها، خط مشی ها، و عملکرد ها بر این پایه ممکن نخواهد بود. به همین جهت، از دید مائوتسه دون خط مشی توده ئی در فورمول "از توده ها به توده ها" بدین معنا است که باید:

۱. نظرات پراکنده و غیر منظم توده ها و تجارب مبارزات توده ئی را جمع آوری کرد
۲. به بررسی این نظرات پراکنده و غیر منظم پرداخت، آنها را به اساس نقطه نظر های مارکسیستی به نظم در آورد و جمع بندی نمود
۳. این نظرات فشرده و تنظیم شده را به صورت سیاست های معین دوباره به میان توده ها برد و به تبلیغ و توضیح آنها پرداخت تا توده ها از یکطرف به اجرای فعال و پیگیر این سیاست ها و نظرات بپردازند و از طرف دیگر صحت آنها را در عمل بیازمایند و از این طریق، این نظرات و سیاست ها صحیح تر، دقیق تر و کامل تر شوند:

<sup>۲</sup> - مائوتسه دون: "سخنرانی در کنفرانس وسیع کار"

<sup>۳</sup> - مائوتسه دون: "سخنرانی در کنفرانس وسیع کار"

<sup>۴</sup> - مائوتسه دون: "سخنرانی در کنفرانس وسیع کار"

"رهبری راستین باید طبق اصل (از توده ها به توده ها) عمل کند. بدین معنی که نظرات توده ها (نظرات پراکنده و غیر منظم) را باید جمع آوری کرد و آنها را به شکلی فشرده در آورد. سپس به میان توده ها رفت و این نظرات را تبلیغ و تشریح کرد تا توده ها آنها را از خود بدانند، پیگیرانه دنبال کنند، به عمل در آورند و صحت این نظرات را در چنین عملی بیازمایند، سپس باید بار دیگر نظرات توده ها را به صورت فشرده ای در آورد و دوباره به میان توده ها رفت تا آن که این نظرات بتوانند پیگیرانه تحقق یابند و بدینسان مکرر در مکرر این پروسه در یک حرکت ماریچی تا بی نهایت ادامه می یابد و هر بار این نظرات صحیح تر، زنده تر و غنی تر از قبل می گردند. چنین است تیوری مارکسیستی شناخت."<sup>5</sup>

\*\*\*\*\*

بر گرفته از کتاب مبانی و مفاهیم مارکسیسم

---

<sup>5</sup>- مائوتسه دون: "بعضی از مسایل مربوط به شیوه های درست رهبری"